

تاریخچه و مؤلف منطق (برای مطالعه)

دانستنی‌های ارزنده‌ای درباره علوم وجود دارد که ضمن دادن اطلاعات مفید به دانش‌پژوه، مسیر فراگیری و تحمل دشواری‌های آن را بروی شیرین و آسان می‌کند. از جمله این دانستنی‌ها؛ تاریخ تولد، مکان تولد، چگونگی رشد و نمو دانش، آشنایی با مؤلف و معماران بزرگ یک علم است. دانشمندانی که هر یک با تلاشی خستگی‌ناپذیر سهمی در تکامل و پیشرفت آن علم ایفا کرده‌اند. بدین منظور در این درس با تاریخچه و مؤلف علم منطق آشنا می‌شویم.

تاریخچه منطق

منظور از تاریخ علم منطق، زمان تولد و چگونگی شکوفایی و رشد این دانش به‌عنوان مجموعه‌ای مدوّن است. همچنان‌که در درس نخست بیان شد، ذهن انسان به‌طور تکوینی و براساس خلقت به‌گونه‌ای آفریده شده است که در جریان تفکر به شیوه‌ای خاص عمل می‌کند و هرگز تابع دستور و یا قانون جعلی کسی نیست. به عبارت دیگر، تاریخ تولد «منطق تکوینی» مقارن تاریخ تولد انسان است، اما منطق به‌عنوان دانشی مستقل و مجموعه‌ای از قواعد مدوّن اندیشه، سال‌ها پس از خلقت انسان، تألیف و تدوین شد.

اگرچه دقیقاً نمی‌توان مشخص کرد انسان از چه زمانی به وجود قوانین و قالب‌هایی در اندیشه خود. که چارچوب اندیشیدن صحیح وی را تشکیل می‌داده. پی‌برده است؛ ولی شواهدی در دست است که نشان می‌دهد آثاری درباره تفکر منظم انسان در مراکز تمدن قدیم، مانند ایران، چین و هندوستان وجود داشته است.

بستر تاریخی و فضای فکری پیدایش علم منطق در سرزمین یونان با اندیشورانی که به

زبان یونانی «سوفیست» یعنی حکیم و دانشور نامیده می‌شده‌اند، ارتباطی مستقیم داشته است. آنان معلمانی حرفه‌ای بودند که فن خطابه و مناظره را تعلیم می‌دادند و وکلای مدافع . که در آن روزگار بازار گرمی داشتند . برای دادگاه‌ها می‌پروراندند. این حرفه اقتضا می‌کرد شخص وکیل بتواند هر ادعای حق یا باطلی را اثبات و در مقابل، هر ادعای مخالفی را رد کند. نتیجه طبیعی استمرار این گونه آموزش‌های نادرست، کم‌کم این فکر را در ایشان و عده‌ای دیگر به وجود آورد که اساساً حقیقتی و رای اندیشه انسان به عنوان واقعیتی ثابت، وجود ندارد. در چنین فضای فکری و آشوب ذهنی، دانشمندانی چون سقراط، افلاطون و ارسطو درصدد برآمدند در مقابل سوفیست‌ها روشی را برای جریان اندیشه صحیح تدوین کنند تا با آن، بتوان درستی و یا نادرستی استدلال را تشخیص داد. بدین صورت، علم منطق در سرزمین یونان و در حدود چهار قرن قبل از میلاد در قالب دانشی مستقل و مدون پا به عرصه وجود گذاشت.

کتاب‌های منطقی ارسطو که در مجموع هشت رساله بود و مجموعه آنها بعدها ارغنون نام گرفت، همگی در نیمه دوم قرن دوم هجری به زبان عربی ترجمه شد. همچنین مقدمه معروف فرفورئوس بر منطق ارسطو به نام «ایساغوجی» نیز با عنوان «مدخل» به عربی ترجمه شد و در ردیف کتب هشت‌گانه ارسطو قرار گرفت.

مهم‌ترین مراحل دانش منطق

- پس از آن‌که علوم یونانی از طریق حوزه اسکندریه به عالم اسلام راه یافت، در زمان مأمون، خلیفه عباسی (در سال ۲۱۵ ه. ق) مرکزی به نام «بیت‌الحکمه» در بغداد بنیان نهاده شد که در آن برخی از دانش‌های یونانی از جمله منطق نیز تدریس می‌شد.
- پس از ورود منطق به حوزه فرهنگ اسلامی، این علم به سرعت در میان مسلمین نفوذ و گسترش یافت. دانشمندان مسلمان پس از فراگیری صحیح و دقیق این دانش در دسته‌بندی و تنقیح مباحث، شرح و تفصیل آن و افزودن بحث‌های دقیق به پیشبرد منطق همت گماشتند. در مجموع و در یک نگاه کلی می‌توان تاریخ علم منطق را در بین دانشمندان مسلمان تا دوره معاصر به چهار مرحله تقسیم کرد:
۱. مرحله آشنایی؛ شاید بتوان از ابتدای نهضت ترجمه تا پیش از فارابی را عصر آشنایی دانشمندان مسلمان با علم منطق دانست.
 ۲. مرحله تنقیح و تکمیل؛ فارابی نخستین کسی بود که دانش منطق را بر اساس آنچه



به طور مختصر از ارسطو ترجمه شده بود منقح و کامل نمود. به گونه ای که آن را به منزله علمی بومی در فضای اسلامی تثبیت کرد. زحمات علمی فارابی و خصوصاً شکل گیری کامل علم منطق و تثبیت آن به منزله یک علم متقن توسط او سبب شد تا وی را در فضای علوم عقلی با نام "معلم ثانی" پس از معلم اول یعنی ارسطو بشناسند.

۳. مرحله شکوفایی: ابن سینا آغازگر دوره شکوفایی، شرح، بسط و نظریه پردازی در علم منطق است. مسیری که پس از او توسط دانشمندان علم منطق در سده های دیگر ادامه یافت. وی را باید پرچمدار تحول در منطق اسلامی دانست. بوعلی دانش منطق را هم به لحاظ ساختار و هم به لحاظ محتوا تحول بخشید. بسیاری از مباحث آن را ارتقاء و تعمیق داد و بخش های مهمی به آن افزود، چنان که منطق دانان پس از خود را کمالات تحت تأثیر منطق خویش قرار داد.

۴. مرحله ایستائی نسبی: از پایان سده نهم هجری آثار منطقی مستقل کاهش یافت و بسیاری از توجهات عمیق منطقی در خلال کتب کلامی و فلسفی مطرح شد. البته در این مرحله نیز می توان از دانشمندان اسلامی بزرگی همچون ملاصدرا، شیرازی نام برد که آثار و اندیشه های فاخری در علم منطق ارائه نموده اند.

آشنایی با برخی از دانشوران بزرگ منطقی

از بین دانشوران و فرهیختگان بزرگ مسلمان که به اِمعان نظرو موشکافی در مسائل منطقی پرداختند و در تکمیل و تنظیم علم منطق نقشی مهم و به سزا داشتند می توان افراد زیر را نام برد:

- ابونصر محمد بن طرخان فارابی ملقب به معلم ثانی (۳۳۸ - ۲۵۷ ه. ق). وی به عنوان پدر منطق اسلامی شناخته شده و بر آثار منطقی ارسطو شرح های متعددی نوشته است. فارابی نخست از شاگردان «بیت الحکمه» بود و سپس از استادان برجسته آن جا شد. مهم ترین اثر منطقی او اوسط کبیر و مجموعه ای است که با عنوان منطقیات فارابی به چاپ رسیده است.
- ابوعلی حسین بن عبدالله بن سینا ملقب به شیخ الرئیس (۴۲۸ - ۳۷۰ ه. ق). وی از بزرگ ترین منطق دانان مسلمان است. ابوعلی در منطق دارای تألیفات بسیاری، چون منطق شفا، نجات، دانشنامه علائی و منطق اشارات است. تدوین منطق در دو بخش تعریف و استدلال، به جای نه بخش. که با سلیقه ارسطو سازگار بوده است. به ابتکار ابن سینا در فرهنگ اسلامی تأسیس شد.

- زین الدین عمر بن سهلان ساوی (م ۴۵۰ ه. ق). وی از مردم ساوه است. مهم ترین کتاب منطقی ساوی، که امروز یکی از متون درسی دانشگاه الأزهر در مصر است، البصائر التصیریة نام دارد. همچنین آثاری از وی در منطق به زبان فارسی با عنوان «تبصره و دورساله دیگر» به چاپ رسیده است.

- ابو ولید محمد بن احمد بن رشد (۵۹۵ - ۵۲۰ ه. ق). وی بسیاری از کتب منطقی ارسطو را شرح کرد. کتاب های او در منطق عبارت است از: الضروری فی المنطق، شرح کتاب قیاس، شرح کتاب برهان، تلخیص برهان و تلخیص سفسطه.

- ابوالفتوح شهاب الدین یحیی بن حبش امیرک سهروردی ملقب به شیخ اشراق (۵۸۷ - ۵۴۹ ه. ق). وی مؤسس «مکتب اشراق» است. شیخ اشراق در برخی از مباحث منطقی آرای خاصی دارد. وی در کتاب های «تلویحات»، «مقاومات» و «مطارحات» که هر کدام دارای سه بخش است، در بخش نخست و نیز در «حکمة الاشراق» در بخش منطق به طرح مباحث منطقی پرداخته است.

- محمد بن محمد بن حسن طوسی ملقب به خواجه نصیرالدین (۶۷۲ - ۵۹۷ ه. ق). وی بهترین شرح بر اشارات و نیز مهم ترین کتاب منطقی به زبان فارسی یعنی اساس الاقتباس را نوشت. شرح منطق اشارات و تعدیل المعیار فی نقد تنزیل الافکار از دیگر آثار منطقی خواجه به شمار می آید. کتاب معروف دیگر خواجه در دانش منطق، التجرید فی علم المنطق است. - محمود بن مسعود ملقب به قطب الدین شیرازی (۷۱۰ - ۶۳۴ ه. ق). وی یکی از شاگردان ممتاز و نامی خواجه طوسی است. کتب منطقی او عبارتند از: درة التاج (بخش اول) و شرح حکمة الاشراق (بخش اول).

- ابومنصور حسن بن یوسف بن علی بن مطهر حلّی ملقب به علامه حلّی (۶۴۸ - ۵۷۲۶ ه. ق). وی از شاگردان خواجه نصیر و شارح بعضی از آثار منطقی و کلامی او است. معروف ترین کتاب منطقی علامه، الجوهر النضید فی شرح کتاب التجرید است. همچنین بخشی از کتاب الأسرار الخفیة او به علم منطق اختصاص دارد.

- محمد بن محمد رازی ملقب به قطب الدین رازی (۷۶۶ - ۶۹۴ ه. ق). وی بر کتب مهم منطق، مانند رساله شمسیه (نوشته کاتبی قزوینی)، مطالع الانوار (نوشته ارموی) و شرح اشارات خواجه، شرح و حاشیه نوشته است. شرح شمسیه و شرح مطالع او از کتب متداول



حوزه‌های علمیه در گذشته بوده است.

- صدرالدین محمدبن ابراهیم شیرازی ملقب به صدرالمتألهین (۱۰۵۰ - ۱۰۹۸ ه.ق.) وی مؤسس «حکمت متعالیه» است. کتب منطقی او عبارتند از: رساله فی التصور و التصدیق، حواشی بر منطق حکمة الاشراق و رساله التنقیح فی المنطق، که با عنوان منطق نوین به فارسی ترجمه و شرح شده است.

- حاج ملاهادی سبزواری (۱۲۸۹ - ۱۲۱۲ ه.ق.) وی برجسته‌ترین شاگرد مکتب صدرالمتألهین است. مهم‌ترین تألیف او در منطق، منظومه اللالی المنتظمة و شرح آن است، که هم‌اکنون نیز از کتب درسی حوزه‌های علمیه به‌شمار می‌رود.

منطق در دوره معاصر

در دوره معاصر نیز همواره مباحث منطق مورد توجه علما و اندیشمندان اسلامی بوده است. از جمله مهمترین ایشان می‌توان از شخصیت‌های زیر نام برد:

- آیه الله شیخ محمدرضا مظفر (۱۳۲۲ - ۱۳۸۳ ه.ق.): کتاب معروف ایشان "المنطق" است که در حوزه‌های شیعی چون ایران، عراق، لبنان و ... به عنوان متن درسی پذیرفته شد. مرحوم مظفر در نگارش "المنطق" کاملاً ناظر به تراث منطقی خصوصاً "الإشارات و التنبیهات" بوعلی سینا با شرح خواجه طوسی، "اساس الاقتباس" از خواجه طوسی و "الجواهر النضید" علامه حلی بوده است.

- علامه سید محمدحسین طباطبائی (۱۲۸۱ - ۱۳۶۰ ه.ش.): رساله‌های "البرهان"، "المغالطه"، "الترکیب" و "التحلیل" آثار مستقل منطقی علامه طباطبائی است که درباره چهار بحث اصلی و زیربنایی علم منطق نوشته شده و به واکاوی‌های عمیقی در مورد آنها پرداخته است.

- میرزا محمود شهابی مجتهد خراسانی (۱۲۸۲ - ۱۳۶۵ ه.ش.): کتاب مهم منطقی او "رهبر خرد" است. این کتاب بیشتر مباحث منطق قدیم را در بر دارد. نویسنده با تسلطی کامل بر کتب اصلی منطق، کتابی متقن را به زبان فارسی به رشته تحریر درآورده است.

- دکتر محمد خوانساری (۱۳۰۰ - ۱۳۸۸ ه.ش.): مهمترین اثر منطقی او کتاب "منطق صوری" است که مورد استقبال و توجه منطق دانان معاصر و خصوصاً دانشگاهیان قرار گرفته است. از دیگر آثار او می‌توان به "فرهنگ اصطلاحات

- منطقی"، ترجمه "ایساغوجی" و "مقولات" اشاره نمود.
- علامه حسن حسن زاده آملی (۱۳۰۷ ه.ش): تعلیقات ایشان بر "منطق منظومه" سرشار از دقت ها و نکته سنجی های عمیق منطقی است. همچنین نکات و توجه های مهم منطقی در کتب فلسفی ایشان بسیار به چشم می خورد.
 - علامه عبدالله جوادی آملی (۱۳۱۲ ه.ش): از این دانشمند و متفکر معاصر کتاب منطقی مستقلاً چاپ نشده است، اما موشکافی ها و دقت نظرهای مجتهدانه منطقی در آثار ایشان خصوصاً کتب فلسفی بسیار به چشم می خورد تا جایی که ایشان را به عنوان صاحب نظری مهم در علم منطق می شناساند.
 - علامه محمد تقی مصباح یزدی (۱۳۱۳ ه.ش): کتاب مستقل منطقی ایشان "شرح برهان شفا" است که حاصل تدریس برهان شفا از سوی ایشان می باشد. غیر از مباحث این کتاب تدقیق ها و ژرف نگری های ارزشمند منطقی بسیاری از ایشان در ضمن آثار و مباحث فلسفی وجود دارد.
 - عسکری سلیمانی امیری (۱۳۳۷ ه.ش): ایشان یکی از محققان پرکار و صاحب نظر حوزوی در مباحث منطقی می باشند که افتخار تحریر آثار متعددی را در کارنامه ی تألیفات ارزشمند خود دارند؛ از جمله: سرشت کلیت و ضرورت، معیار دانش، منطق پیشرفته، منطق صدرایی، اصول و قواعد برهان و اصول و قواعد حدّ و نسبت آن با برهان.

نگاهی اجمالی به منطق در مغرب زمین

در پایان توجه به این مطلب می تواند سودمند باشد که منطق ارسطو در حوزه های علمی مسیحیت به ویژه در قرون وسطا و نزد متکلمان مسیحی رونقی عجیب داشت. با ظهور دوران تجدد و نوزایی (رنسانس) در اروپا، بعضی از صاحب نظران مانند فرانسویس بیکن انگلیسی و رنه دکارت فرانسوی به طرد منطق ارسطویی پرداختند و در برابر آن موضع گرفتند.

اما دوسه قرنی گذشت که تدریجاً «تحقیق» در منطق ارسطو رونق خود را با زیافت به گونه ای که با الهام و استفاده تام از آن به صورت دانشی نو و با مبانی متفاوت به نام «منطق ریاضی» به دست گوتلوب فرگه - فیلسوف و منطق دان معروف آلمانی - به طور جامع و کامل تدوین گردید. پس از وی بزرگترین قدم در پیشبرد منطق ریاضی با انتشار سه جلد کتاب به نام



اصول ریاضیات با تلاش دو فیلسوف و ریاضی دان انگلیسی، برتراند راسل و وایتهد برداشته شد. این کتاب باعث ایجاد تحولی بزرگ در منطق ریاضی شد. امروزه علاوه بر «منطق ریاضی»، از دستگاه‌های منطقی دیگری چون «منطق دیالکتیک»، «منطق پراگماتیسم» و «منطق فازی» نیز می‌توان نام برد که معرفی آنها از حوصله کتاب حاضر بیرون است.

مؤلف منطق

مشهور صاحب نظران مؤلف علم منطق را، حکیم یونانی «ارسطاطالیس» می‌دانند. البته به نظر ایشان، تألیف یک علم لزوماً به معنای خلق و ابداع آن نیست؛ چه اینکه خداوند قوانین و قواعدی را به صورت تکوینی در دستگاه اندیشه انسان نهاده است و ارسطو نخستین کسی است که این قوانین را کشف و قواعد منطقی تفکر را به عنوان مجموعه‌ای مدون گردآوری و تألیف کرده است.

دو قول غیر مشهور دیگر در باب مؤلف منطق مطرح شده است که به موجب آن برخی معتقد شده‌اند تدوین قواعد صحیح اندیشه به دست دانشمندان مشرق زمین به خصوص دانشیان ایرانی صورت گرفته و پس از فتنه اسکندر به یونان انتقال یافته و ارسطو، آنها را جمع‌آوری و تنظیم کرده است.^۱ و برخی دیگر بر این باورند که اگر چه بخشی از مطالب منطقی مستند به ارسطو نبوده است اما بی شک دسته دیگر از مباحث نظیر طرح تفصیلی بحث قیاس، اشکال و شرایط انتاج آن، برهان، جدل و سفسطه از جمله آثار ابتکاری ارسطو به شمار می‌روند.^۲

طبقه‌بندی آموزشی کتاب‌های منطقی

همان‌طور که بیان شد، دانشمندان مسلمان کتاب‌های منطقی بسیاری نگاشته‌اند. این کتاب‌ها به لحاظ حجم و نیز عمق مطالب همگی در یک سطح نیستند؛ برخی به انگیزه گزارشی مختصر از این علم و بعضی به منظور شرح و بسط مسائل منطقی و برخی دیگر نیز به جهت توسعه و نکته‌سنجی‌های دقیق منطقی نگاشته شده است. در فراگیری یک دانش، اطلاع از طبقه‌بندی آموزشی کتاب‌های تألیف شده در آن علم برای دانش پژوهان و علاقه‌مندان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. هنگامی می‌توان از یک

۱. دیباچه رهبر خیزد، محمود شهابی، صفحه ۵.

۲. شرح منظومه، ج ۱، ص ۷۰ و ۷۱؛ منطق شفا، ج ۴، ص ۱۱۳ و ۱۱۴.

نوشته علمی، بهره کافی برد که عمق مطالب آن و میزان قدرت علمی شخص با یکدیگر تناسب داشته باشد. عدم هماهنگی میان این دو، امکان استفاده درست و مطلوب از وقت و توان آموزش را در فرایند یادگیری، سلب خواهد کرد.

در مقایسه رساله‌های منطقی کمتر می‌توان کتاب یا کتاب‌هایی را یافت که در بردارنده همه نکات مثبت کتاب دیگر. چه به لحاظ اسلوب ارائه مطالب و چه به لحاظ محتوا و نحوه تبیین. باشد؛ چه این که کتاب‌های نگاشته شده در این علم هر یک دارای شایستگی‌های مخصوص به خود است. از این رو داوری قطعی در باب طبقه‌بندی آموزش و سیر مطالعاتی در این علم آسان نیست. با این حال، شاید بتوان کتاب‌های منطقی را در سه ردیف طبقه‌بندی کرد:

۱. منطق ابتدایی، که مهم‌ترین کتب این دسته عبارت است از:

«الکبری فی المنطق» تالیف میرسید شریف جرجانی؛ «آشنایی با علوم اسلامی - بخش منطق» تالیف استاد شهید علامه مطهری؛ «درآمدی بر منطق» دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه؛ «روش اندیشه» تالیف استاد شهید آیت الله مفتاح؛ «معیار اندیشه» تالیف عسکری سلیمانی امیری.

۲. منطق متوسط، که مهم‌ترین آثار این دسته عبارت است از:

«الحاشیه علی تهذیب المنطق» تالیف عبدالله بن شهاب الدین یزدی؛ «المنطق» تالیف استاد آیت الله مظفر؛ «الجواهر النضید» تالیف علامه حلی؛ «البصائر النصیریة» تالیف زین الدین عمر بن سهلان ساوی؛ «شرح شمسیه» تالیف قطب الدین رازی؛ «اللئالی المنتظمه» تالیف حاج ملاهادی سبزواری؛ «التنقیح» تالیف ملاصدرای شیرازی؛ «اساس الاقتباس» تالیف خواجه نصیر الدین طوسی؛ «منطق نوین» ترجمه و شرح استاد مشکوة الدینی بر اللمعات المشرقیة اثر ملاصدرای؛ «رهبر خرد» تالیف استاد میرزا محمود شهابی؛ «منطق صوری» تالیف دکتر محمد خوانساری؛ «منطق پیشرفته» و «معیار دانش» تالیف عسکری سلیمانی امیری.

۳. منطق عالی، که مهم‌ترین آثار این دسته عبارت است از:

«برهان شفا» تالیف ابن سینا؛ «منطق اشارات» تالیف ابن سینا و شرح آن توسط خواجه نصیر الدین طوسی؛ «شرح المطالع» تالیف قطب الدین رازی؛ «ارغنون» تالیف ارسطو؛ «رساله برهان» تالیف علامه طباطبایی؛ «المنطقیات» تالیف ابو نصر فارابی؛ «شرح برهان شفا» تالیف

۱. این عنوان، نام دیگر همان رساله «التنقیح» ملاصدراست.



علامه مصباح یزدی؛ «شرح اشارات ابن سینا»^۱ نوشته‌ی مهدی عظیمی.